

مطالعه تطبیقی قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا

سامان مهری^۱ - احمد محمودی^{۲*} - محمدحسین قربانی^۳ - شقایق نعمتی^۴

۱. دانشجوی دکتری مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ۲. استادیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده علوم ورزشی و تندرستی، دانشگاه تهران، تهران، ایران ۳. دانش‌آموخته دکتری گروه مدیریت ورزشی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران ۴. کارشناس ارشد مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۹، تاریخ تصویب: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱)

چکیده

امروزه جایگاه ورزش و کوشش‌های ورزشی از یک تلاش بدنی و تفریح و سرگرمی صرف فراتر رفته و به ویژه جنبه سیاسی و بین‌المللی یافته است. بین‌المللی شدن شمار زیادی از ورزش‌ها باعث شده تا کشورها به هم‌آوردی ورزشی بین‌المللی، جهت نیل به منافع ملی و رسیدن به مقاصد سیاسی و بین‌المللی خود روی آورند. در این راستا، مفهوم دیپلماسی ورزشی همراه با سایر دیپلماسی‌های دیگر پدیدار شده است. دیپلماسی قدرت هوشمند استفاده از همه سازوکارهای دیپلماتیک در تمام عرصه‌ها جهت تأمین منافع ملی و از جمله سازوکار قدرت ورزش است. بر این اساس، این پرسش اساسی مطرح شده که در راستای دیپلماسی ورزشی در چارچوب قدرت هوشمند، ورزش از چه جایگاهی در دستگاه دیپلماسی ایران و آمریکا، برخوردار بوده است؟ در پژوهش حاضر از روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب نظریه قدرت هوشمند سوزان ناسل و قدرت نرم جوزف نای، بهره گرفته شده است. ایران، علیرغم داشتن ظرفیت کارآمد در زمینه ورزش و استفاده بهینه از آن، در راستای دیپلماسی ورزشی، به ورزش چشم‌انداز حاشیه‌ای و نگرش حیات خلوت داشته، و نیز در چشم‌انداز آمریکا، ورزش، ابزاری برای تحریم و سلب مشروعیت یا ابزاری برای برقراری روابط بین دو کشور بوده است. ایالات متحده آمریکا از رهگذر قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی، با ارائه برنامه‌ای منسجم و در خصوص استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و نیز شرکت‌های ورزشی، در پی نیل به اهداف بلندمدت سیاسی خود در جریان ورزش بوده؛ ولی مسئولان سیاسی ایران به ورزش به-مثابه ابزار سرگرمی پنداشته و تا بحال به اثربخشی ورزش در عرصه بین‌الملل نیندیشیده‌اند.

واژه‌های کلیدی

آمریکا، ایران، دیپلماسی، قدرت هوشمند، ورزش.

مقدمه

کشورها کوشش می‌نمایند از ورزش، مخصوصاً ورزش‌هایی که بعد بین‌المللی دارد و رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی مانند جام جهانی فوتبال یا بازی‌های المپیک، جهت مقاصد عمده خود در راستای کسب قدرت، ثروت و بالا بردن منزلت بین‌المللی خود، به کار ببرند. این شرایط باعث پیدایش مفهوم دیپلماسی ورزشی همراه با سایر دیپلماسی شده است.

درونداشت دیپلماسی ورزش به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های عمده‌ی توسعه قدرت نرم^۷ و دیپلماسی عمومی مدنظر شمار زیادی از کشورهای توسعه‌یافته و اقتصادهای نوپدید (بریکس^۸) بوده است. تحلیل‌گران بر این باورند همانگونه که دیپلمات‌ها جهت تأمین منافع ملی به دور میز گرد هم می‌آیند، ورزشکاران هم به منظور پیشبرد این منافع به دور پیست می‌دوند (۱). در این راستا، بررسی "چیستی، چرایی و چگونگی" کاربرد دیپلماسی ورزشی در کشورهای موفق در این خصوص می‌تواند به فهم سیاست‌مداران ایرانی از ورزش به‌مثابه سازوکاری در مورد برآوردن بهینه منافع ملی کارآمد و اثربخش باشد. افزایش بازیگران غیردولتی در عرصه روابط بین‌الملل و شناساندن سفیران هنری، علمی و ورزشی در این زمینه باعث شده تا تصمیم‌گیران سیاسی کوشش کنند با عنایت به توان ورزشی ایران (برای مثال کسب سکوی هفدهم بازی‌های المپیک ۲۰۱۲ لندن^۹ به‌مثابه راهی مقرون به صرفه) قدرت هوشمند ایران را در جهان گسترش دهند. سیاست خارجی هم اکنون به طیف گسترده‌ای از بازیگران بین‌المللی غیردولتی ارتباط دارد؛ بنابراین،

دیپلماسی ورزشی^۱ جایگاه ورزش در سیاست را مورد بررسی قرار می‌دهد. بر مبنای اثری که ورزش در دیپلماسی دارد، آن را به‌مثابه سازوکاری در راستای دیپلماسی می‌نهد. دیپلماسی عمومی^۲ به مفهوم کوشش‌های یک دولت جهت آگاهی‌دهی، فراهم نمودن فهم دوسویه و همچنین کارآمدی بر افکار عمومی سایر کشورها به شمار می‌رود. این کوشش‌ها شامل تبادلات علمی دانشجویی، فرهنگی، ورزشی، استفاده از رسانه‌های رادیویی، تلویزیونی، اینترنتی، خدمت‌رسانی و... است. ورزش پیوسته در دستگاه دیپلماسی ایالات متحده^۳ پس از جنگ جهانی دوم از دو راه بکار رفته است. ورزش یا وسیله‌ای جهت تحریم و سلب مشروعیت و یا وسیله‌ای جهت ایجاد روابط بین دو کشور بوده است. ولی با ورود به عصر اطلاعات، جایگاه ورزش در دیپلماسی ایالات متحده به خاطر دگرگونی در بازیگران عرصه روابط بین‌الملل، با تحول مواجه شده و ورزش به نماد و نگرشی از قدرت هوشمند^۴ از چشم‌انداز مسئولان وزارت خارجه پیشین ایالات متحده، از جمله هیلاری کلینتون^۵ تبدیل گشته است.

یکی از منابع قدرت هوشمند کشورها، ورزش است، البته در صورتی که در شرایط و موقعیت مناسب و بهینه از آن استفاده شود. در این خصوص، ورزش همسویی زیادی با سیاست داشته و به عنوان یک موضوع روابط بین‌المللی، مدنظر قرار گرفته است. کارکردهای بین‌المللی ورزش، به‌مثابه یک منبع قدرت هوشمند آن را به سازوکار سیاست خارجی و دیپلماسی عمومی تبدیل نموده، آنگونه که

۸. بریکس (به انگلیسی: BRICS) نام گروهی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهور است که از به هم پیوستن حروف اول نام انگلیسی کشورهای عضو برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی تشکیل شده‌است.

9. The London 2012 Summer Olympics

1. Sports Diplomacy
2. Public Diplomacy
3. United States
4. Smart power
5. Hillary Rodham Clinton
6. Olympic Games
7. Soft Power

توسعه روزافزونی یافته است (۳). قدرت هوشمند به عنوان شکل نوینی از تحول قدرت، از سازوکارهای ارزشمند و منابع بی‌شماری برخوردار است (۶). راهبرد قدرت هوشمند به مفهوم توانایی ترکیب قدرت سخت با قدرت نرم، برحسب شرایط، قلمداد شده است (۷). از اینرو، قدرت هوشمند را می‌توان به‌مثابه شکل تکامل‌یافته مؤلفه‌ها و موضوعات قدرت سیاسی و استراتژیک و پاسخی به تهدیدها و مخاطرات امنیتی آمریکا در حوزه‌های جغرافیایی مختلف از جمله خاورمیانه دانست (۸). در قدرت هوشمند دو قدرت سخت و نرم به گونه‌ای هوشمندانه با هم آمیخته شده تا جنبه نوین و کارآمدی از قدرت به دست آید (۹). در پرتو قدرت هوشمند، راهبردهای آمریکا در دوره اوباما ترکیبی از کاربرد همه مؤلفه‌های قدرت سخت و نرم، نظیر کاربرد ظرفیت‌های دیپلماتیک، نظامی، فناوری اطلاعات و سایبری، اقتصادی، فرهنگی، نهادگرایی و اجماع‌سازی بین‌المللی، افکار عمومی و ایماژسازی بود (۱۰). از اینرو قدرت هوشمند، ظرفیتی است که به موجب آن باعث پیشبرد مؤثر و کارآمد اهداف یک بازیگر، به‌طور چندجانبه گردد (۱۱). قدرت هوشمند، بهره‌گیری از قدرت سخت، چارچوب‌بندی آن در قالب‌بندی سیستمی، ترکیب آنها در قالب سیستم سایبری و برقراری نوعی هم‌افزایی بین آنها می‌شود (۱۲).

انقلاب اسلامی ایران در رویارویی با ابرقدرت‌ها به هم‌افزایی قدرت نرم افزاری و سخت افزاری باور داشت. در راستای قدرت هوشمند، جمهوری اسلامی ایران به عنوان بازیگر تأثیرگذار در منطقه و جهان می‌تواند جامعه خود را در قالب جدیدی در دنیای خارج تعریف نموده و هم‌راستی کسب ثروت و قدرت ملی کشور واقع شود و سرانجام به عنوان شیوه نوین و متنوعی، جامعه خود را در

بازیگران عمده بین‌المللی در وزارت خارجه دامنه زیادی از برنامه‌های خود را در راستای دیپلماسی عمومی و بویژه ورزشکاران دنبال می‌نمایند (۲).

به‌راستی، یکی از رشته‌های اساسی درباره ورزش و جایگاه آن در روابط بین‌الملل، دیپلماسی ورزشی بوده که در تقسیم‌بندی عمده‌تر، یا همان دیپلماسی عمومی و فرهنگی قرار می‌گیرد که در دو سه دهه اخیر رواج بیشتری یافته است (۳). در عصر جهانی شدن، اثربخشی مؤلفه‌های فرهنگی بر مناسبات میان دولت‌ها گسترش فراوانی یافته تا بدانجا که مبادلات فرهنگی در عرصه جهانی به آسانی صورت می‌پذیرد، از اینرو، دیپلماسی عمومی و فرهنگی به نحو کلی و دیپلماسی ورزشی به نحو ویژه نگاه‌های بیشتری را به سوی خود معطوف نموده است (۴). رابطه بین دیپلماسی و ورزش دوسویه بوده، هم دیپلماسی در مدیریت ورزشی، برگزاری مسابقات جهانی، کسب میزبانی، شرکت در مسابقات و برخی موارد دیگر کارآمدی دارد و هم ورزش در ارتقای دیپلماسی کشورهای گوناگون از رهگذر ورزش، با شرکت کردن یا نکردن در مسابقات ورزشی (مثل تحریم المپیک) یا مسابقه دادن یا امتناع از هم‌وردی با ورزشکاران سایر کشورها، بعضی تمایلات سیاسی خود را عرضه می‌دارند (۵). امروزه نقش ورزش و فعالیت‌های ورزشی از یک فعالیت بدنی یا نوعی سرگرمی فراتر رفته و بویژه بعد سیاسی و بین‌المللی پیدا کرده و به‌طور گسترده در همه جهان توسعه یافته و اسناد بین‌المللی نوین هم به ورزش اهمیت زیادی داده‌اند. بین‌المللی شدن ورزش‌های زیادی باعث شده تا کشورها به هم‌وردی ورزشی بین‌المللی، به‌مثابه عرصه‌ای، جهت تأمین منافع ملی و نیل به اهداف سیاسی و بین‌المللی بنگرند. در این خصوص دروندداشت دیپلماسی ورزشی همراه با سایر دیپلماسی‌ها، پدیدار گشته

کاربست دیپلماسی ورزشی، ایران می‌تواند در منطقه و جهان، از ورزش به عنوان ابزاری کم هزینه‌تر و جذاب‌تر در رسیدن به آمال و منافع سیاسی خود به کار برد (۱۹).

در آمریکا، هم‌راستایی سیاست و ورزش، به ورزش جایگاه ویژه‌ای داده که بازیگران عرصه آن دیگر تنها یک چهره ورزشی نبوده و همواره مورد استفاده سیاستمداران قرار می‌گیرند (۲۰). ورزش به عنوان سازوکاری در جهت درک دو سویه افراد با فرهنگ‌های گوناگون، کار تیمی، احترام به یکدیگر و قوانین اهمیت دارد (۲۱). ورزش در دیپلماسی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم کاربردی دو سویه داشته است. ورزش یا ابزاری برای تحریم و سلب مشروعیت یا ابزاری برای برقراری روابط بین دو کشور بوده است. در عصر اطلاعات، نقش ورزش در دیپلماسی آمریکا به دلیل دگرگونی در کنشگران صحنه روابط بین الملل دگرگون شده و نمادی از قدرت هوشمند از چشم‌انداز تصمیم‌گیرندگان وزارت خارجه ایالات متحده، بوده است (۲۲).

حساس‌ترین نماد دیپلماسی ورزشی میان ایران و آمریکا به مسابقه فوتبال این دو کشور در جریان بازی‌های دور اول جام جهانی سال ۱۹۹۸ فرانسه باز می‌گردد در این راستا تماس‌های ورزشی بین آمریکا و ایران در این سال به میزانی این کشور، باعث بهبود روابط سیاسی بین دو کشور گردید. در سال ۲۰۰۰ به پیشنهاد آمریکا، تیم ملی فوتبال ایران و آمریکا در کالیفرنیا با هم دیدار کردند. پرچم‌های دو کشور در دستان تماشاگران آمریکایی و ایرانی تا حدودی روابط سرد پیشین بین دو ملت را از بین برد (۲۳).

بر مبنای مطالب پیش‌گفته، در این پژوهش، تلاش شده تا به بررسی تطبیقی قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا، پرداخته شود و بر این اساس، این

برابر نظام بین‌الملل معرفی نماید. یکی از اهداف اساسی جمهوری اسلامی ایران در راستای دستیابی به جایگاه برتر منطقه‌ای در عرصه‌های مختلف، راهبرد قدرت هوشمند است که می‌تواند، ایران را در دستیابی به این جایگاه کمک نماید (۱۳).

ورزش دیگر صرفاً کنشی بدنی نیست بلکه بسته به فضای شکل‌گیری آن دارای ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی است (۱۴). ارتباط دوسویه‌ای بین دیپلماسی و ورزش وجود دارد. در این راستا، هم دیپلماسی در مدیریت ورزشی، برگزاری مسابقات جهانی، کسب میزبانی، شرکت در مسابقات تأثیرگذار بوده و هم ورزش در پیشبرد دیپلماسی کشورهای مختلف، با شرکت کردن یا نکردن در مسابقات ورزشی (مانند تحریم المپیک) یا مسابقه دادن یا اجتناب از رقابت با ورزشکاران کشورهای دیگر اثر گذار بوده است (۵). تغییرات در فضای دیپلماتیک، دیپلماسی را مجبور به سازگاری و آزمایش شیوه‌های نوین دیپلماسی کرده است (۱۵). دیپلماسی ورزش به منزله اکسیری برای دولت‌ها، به عنوان یک ابزار دیپلماتیک کارساز می‌تواند منجر به پیشرفت و بهبود روابط گردد (۱۶).

جمهوری اسلامی ایران به خاطر فقدان راهبرد واحد در زمینه دیپلماسی ورزش، فرصت‌های زیادی را برای توسعه روابط بین‌المللی خود از این رهگذر از دست داده است (۱۷). در این چارچوب، با عنایت به شرایط حساس کنونی ایران در عرصه جهانی و ایجاد فشار از سوی برخی کشورهای خاص، و حضور پررنگ تیم‌های ملی ایران در رویدادهای بین‌المللی پربیننده مانند بازی‌های المپیک مجالی کمیاب در راستای کاهش فشار جامعه جهانی بوده که به پیشبرد قدرت هوشمند ایران و جایگاه‌نخبگان ورزش کشور در ساختار نوین جهانی کمک می‌نماید (۱۸). با

۱. قدرت هوشمند و دیپلماسی ورزشی

قدرت توانایی فرد است برای تأثیرگذاری بر رفتار دیگران و واداشتن آنان به انجام کاری که می‌خواهد (۲۴). قدرت از مقوله‌های بنیادین در فلسفه سیاسی است (۲۵). امروزه فرآیندها و رخدادهایی همچون جهانی‌سازی، انقلاب اطلاعات و دموکراتیزه شدن حکومت‌ها موجب ایجاد تغییرات گسترده‌ای در ساختار قدرت دولت‌ها شده‌اند، این تغییرات به نوبه خود مستلزم رویکردهای جدید در شیوه بهره‌گیری از منابع قدرت هستند. از این روی، در بستر و عرصه چنین عصری، بازنگری و اتخاذ رویکردی جدید از مفاهیمی همچون قدرت بیش از همیشه ضرورت پیدا کرده است (۶).

قدرت هوشمند رویکردی است که تنها بر ضرورت نیروی نظامی قوی تأکید ندارد، بلکه بر هم‌پیمانان و نهادها در تمام سطوح برای گسترش نفوذ آمریکا و کسب مشروعیت برای اقدامات این کشور پای می‌فشارد (۲۶).

منشأ اصطلاح قدرت هوشمند، بحث‌انگیز است و به سوزان ناسیل و جوزف نای آهر دو نسبت داده می‌شود. نای (۲۰۰۹) در مقاله هوشمند شدن اینچنین بیان می‌دارد که: درک نحوه ترکیب منابع قدرت نرم و قدرت سخت در راهبرد قدرت هوشمند مستلزم قدرت‌هایی برای هدایت، «هوش مقید به بافت» نام نهادام. در سیاست خارجی، هوش مقید به بافت، مهارت شناختی ذاتی است که به سیاست‌گذاران کمک می‌کند، برای ایجاد قدرت هوشمند، تاکتیک‌ها را با اهداف درهم‌آمیزند. این چیزی است که من سعی کردم در سال ۱۹۹۰ با طرح ایده قدرت نرم آن را اصلاح کنم. هوش مقید به بافت برای ایجاد راهبرد یکپارچه‌ای که قدرت سخت و نرم را به یکدیگر پیوند زند، ضروری است (۲۴).

پرسش اساسی مطرح گردیده که در راستای قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا، ورزش از چه جایگاهی برخوردار بوده است؟

روش‌شناسی پژوهش

یکی از روش‌های پرکاربرد تحقیق، تحلیل محتوا است. این روش به این علت به دیگر روش‌ها برتری دارد که در آن نیاز به تحقیق و جمع‌آوری اطلاعات نیست، بلکه اطلاعات وجود دارد و باید تحلیل و نتیجه‌گیری شود. در تحقیق حاضر نیز از همین روش استفاده شده است. پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی و کیفی است. تحلیل محتوا برای کمی کردن و سنجش پذیری از طریق نمادهای که مشخص است و از این روش غالباً در تحلیل متون و منابع چاپی و غیرچاپی استفاده می‌شود. با این روش می‌توان مقالات و یا متون را تحلیل و طبقه‌بندی کرد. جامعه پژوهش این مطالعه، مقاله‌های پایگاه داده فارسی و خارجی با موضوع قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی ایران و آمریکا بود. برای دستیابی به اطلاعات مورد نیاز متون فارسی تا پایان سال ۱۴۰۲ جمع‌آوری شد؛ جستجوی الکترونیکی با استفاده از پایگاه‌های فارسی زبان نورمگز، مگیران، سید جستجو و کلیه مقالات مرتبط وارد مطالعه شدند.

یافته‌ها

در این بخش با توجه به اطلاعات موجود و در دسترس، به بررسی یافته‌ها در قالب سه پارامتر قدرت هوشمند و دیپلماسی ورزشی، سازوکارهای دیپلماسی ورزش جمهوری اسلامی ایران در راستای قدرت هوشمند و سازوکارهای دیپلماسی ورزشی ایالات متحده آمریکا در راستای قدرت هوشمند، پرداخته می‌شود.

رویدادهای برجسته و عمده ورزشی برای کشور میزبان، فرصت‌های سرنوشت‌ساز دیپلماتیک عمومی را میسر می‌سازد؛ میزبانی یک رویداد بین‌المللی بیانگر پذیرش شهروندی بین‌المللی خوب مردمان آن کشور به شمار می‌رود. دیپلماسی حوزه‌های ورزشی برای کشورها این مکان را فراهم می‌نماید تا انعطاف‌پذیری چشمگیری را وقتی که مناسبات دیپلماتیکی آن‌ها ضعیف یا قوی بوده، در وضعیت سیاسی موجود از خود بروز دهند؛ تعاملات دیپلماسی ورزشی، راهکاری برای ایجاد دگرگونی‌های سیاسی احتمالی، فراهم می‌نماید. راه‌های کارآمد جهت گفتگو میان ملل و افراد ناآشنا پدید آورده و در مواردی سازوکاری بمنظور تحریک و یا تنبیه یک ملت محسوب می‌شود. برای نمونه در سال ۲۰۱۲ و قبل از شروع بازی‌های ۲۰۱۲ لندن، در آرژانتین^۱ پیامی تبلیغاتی از تلویزیون منتشر شد که در آن ورزشکاران آرژانتینی در جزایر فاکلند^۲ تمرین می‌نمودند و شعار آن‌ها در این تبلیغ «برای هم‌وردی در سرزمین انگلستان، ما در سرزمین آرژانتین تمرین می‌کنیم»، بود که این مسئله باعث شد تا فیلیپ هاموند^۳ وزیر دفاع بریتانیا این تبلیغ را پروپاگاندای «غیرقابل امتحان، بسیار توهین‌آمیز و نامحترمانه» تلقی نماید (۲۹).

بمثابه آنچه در دیپلماسی سنتی مثل احترام و قبول سفیران، توافق‌نامه‌های مذاکره‌ای و حل مناقشات صورت می‌گیرد، فعالیت ورزش بین‌الملل، برآستی به نحو ارتباطی و نمایندگی ملل انجام می‌شود. مثل دیگر صور دیپلماسی، ورزش بین‌الملل نیز در صحنه‌ها و ورزشگاه‌های مشخص روی می‌دهد. تأثیر ورزش بین‌الملل به مثابه پدیده‌ای مستقل، در مناسبات دیپلماتیک میان دولت‌ها، مردم و دیگر بازیگران را می‌توان به دو دسته

قدرت در چنین شرایطی ماهیتی مؤثر داشته و قابلیت لازم برای مقابله با تهدیدها را پیدا می‌کند (۲۴). با توجه به جهت‌گیری سیاست خارجی اوپاما به ترکیب قدرت نرم و سخت و برآیندی از این دو و پیچیده شدن این نوع قدرت، بعد نوین قدرت یا همان قدرت هوشمند رو به افزایش است و جمهوری اسلامی ایران نیز به مانند سایر کشورها در جهت دستیابی به مقوله قدرت یا به اصطلاح قدرت هوشمند، برای تحقق اهداف و آرمان‌های خویش است. قدرت هوشمند، ظرفیتی است که یک بازیگر، عناصر قدرت سخت و نرم را چنان ترکیب می‌نماید که به طور چندجانبه موجب پیشبرد مؤثر و کارآمد اهدافش شود. پیشبرد قدرت هوشمند برای امنیت ملی یک ضرورت است که بر اساس تغییرات ساختاری بلندمدت بین‌المللی و شکست‌های کوتاه مدت کنونی تنظیم می‌شود (۱۱). امروزه تولید ادبیات در باب قدرت هوشمند در حال رشد روزافزون است (۲۷).

انقلاب اسلامی ایران، درصدد برآمد با روش‌های غیرسخت‌افزاری، همچون تأکید بر ارزش‌ها، توان متقاعدسازی دیگر ملت‌ها برای شکل دادن به ترجیحات و اولویت‌های معنوی، واکشیدن و برکشیدن جهان اسلام با شخصیت‌های رهبری معنوی، فرهنگ، ارزش‌ها، ساختار سیاسی و اعتبار اخلاقی جایگاه قدرت نرم را در فرآیند استقرار بنیان‌های انقلاب اسلامی ایران آشکار سازد (۲۸). نظریه‌پردازان قدرت هوشمند در صدد پیوند بین قدرت نرم و قدرت سخت می‌باشند. آنان بر این باورند که کشوری همانند آمریکا برای ایفای نقش جهانی نیازمند آن است که به اقدامات سازمان‌یافته برای دستیابی به هژمونی دست بزند (۸).

3. Philip Hammond

1. Argentina

2. Falkland Islands (Islas Malvinas)

هیلا ری کلینتون، یکی از تأثیرگذارترین تصمیم‌گیران سیاسی ایالات متحده در راستای قدرت هوشمند و به ویژه دیپلماسی ورزش به شمار می‌رود که با مطرح نمودن اصطلاح "قدرت هوشمندانه" در زمان حضورش در وزارت خارجه آمریکا، در پی برآوردن همه منافع ملی ایالات متحده، با کاربرد همه ابزارهای دیپلماتیک، بواسطه دیپلماسی، از رهگذر قدرت هوشمند و بویژه ورزش بود.

۱-۲. دیپلماسی عمومی نوین؛ ورزش و قدرت هوشمند در دیپلماسی عمومی بر عنصر ارتباط مستقیم یک دولت با شهروندان سایر جوامع تأکید می‌شود. دیپلماسی عمومی فرایندی است که از رهگذر آن ارتباط مستقیم با مردم یک کشور، جهت تأمین و ارتقای منافع و ترویج ارزش‌های جامعه‌ای که نمایندگانش به این کار مبادرت می‌ورزند، ایجاد می‌شود. دیپلماسی عمومی، فرایند ارتباطی یک دولت با مردم دیگر جوامع، به منظور شناخت باورها، آرمان‌های ملت خود، نهادها و فرهنگ‌اش و همچنین اهداف ملی و سیاست‌های خود تعریف شده است (۳۱).

ورزش و رویدادهای ورزشی بین‌المللی یکی از حوزه‌های تحقیق دیپلماسی عمومی به شمار می‌رود. رویدادهای بزرگ ورزشی بین‌المللی مجال زیادی جهت نیل به اهداف دیپلماسی عمومی کشورها، فراهم می‌نمایند. بینندگان تلویزیونی رویدادهای بزرگ ورزشی مانند جام جهانی فوتبال یا بازی‌های المپیک بیش از میلیون‌ها نفرند. همچنین میلیون‌ها نفر مخاطب رسانه‌های شنیداری یا مکتوب و صدها هزار تماشاچی جهت دیدن مسابقات به ورزشگاه‌ها می‌روند. رویدادهای ورزشی توجه شمار فراوانی از مردم در کشورهای گوناگون را به خود معطوف می‌نمایند و پیام روشن و بسیار نمادین ارتباط این رویدادها با موضوعات سیاسی بین‌المللی را به آنها می‌رسانند. این رویدادهای بزرگ ورزشی با نشانه‌های بارز مثل پرچم،

تقسیم نمود: نخست اینکه، ورزش به مثابه مقوله‌ای که از راه‌های گوناگون کارآمدی مستقیم و همیشگی بر مناسبات میان حکومت‌ها، ملل و مردمان دارد. دوم اینکه، ورزش بین‌الملل که نیازمند چند بازیگر به‌ویژه در راستای دیپلماتیک بوده تا از رهگذر آنان بتوان انجام رویدادهای ورزشی را میسر نمود (۱).

دیپلماسی ورزش به مثابه اکسیری برای دولت‌هاست که مانند یک سازوکار دیپلماتیک بکر و دست‌نخورده قادر است جدایی را از میان برده و توسعه، گفتگو و پایداری را رواج دهد. نهادهایی که در خصوص ورزش و دیپلماسی تلاش می‌کنند، قادرند ارزش‌های ورزشی مثبتی، از جمله احترام دوسویه، نظم، صبر و تحمل و دلسوزی را در میان مناسبات تند و خشن سیاسی، رواج داده و فضای آرامی را بوجود آورند (۱۶). مورای دیپلماسی ورزش را نوعی اکسیر تلقی می‌نماید که فقر، اختلافات و جدایی ملت‌ها، از یکدیگر را از میان برده (۱). علاوه بر آن می‌توان افزود که این پدیده ارزش‌های مثبت مثل احترام متقابل، نظم، صبوری، مهربانی و تعهد را بهبود می‌بخشد (۳۰). بر این اساس، مورای گزاره‌های گوناگونی، به شرح را در جهت ضرورت انجام سازوکار دیپلماسی ورزشی مطرح می‌نماید:

۱. همسویی ورزش و دیپلماسی پیشینه‌ای طولانی داشته، هرچند، نظریات این رشته، جدید و روبه پدیداری است.

۲. هرچند ورزش از نوع اکسیر به شمار نمی‌رود اما این پدیده سازوکاری جهت گسترش ارزش‌های سازنده بوده، افتراق را کاسته و منجر به گسترش مناسبات و گفتگو میان افراد و ملل گوناگون می‌شود.

۳. شبکه‌های بین‌المللی ورزش از رهگذر ایجاد قدرت نرم و سرمایه اجتماعی منجر به ایجاد تعهد، همکاری و ارتباط سازنده دولت‌ها با هم می‌گردند (۱).

فرستاد و سه سال بعد هم یک تیم بسکتبال. این دو ورزش به خاطر اهمیت دیپلماتیکی که داشتند به دقت گزینش شده بودند. آن‌ها انتظار داشتند که چینی‌ها در تنیس روی میز و امریکایی‌ها در بسکتبال پیروز شوند و در عمل حفظ آبروی هر دو طرف انجام می‌شد (۷).

در جهان فعلی و در نبود بازی‌های قدرت عصر جنگ سرد، منزلت صرفاً هدفی است که دولت‌ها جهت به نیل به آن کوشش می‌نمایند و ورزش یکی از سازوکارهای مهمی است که کسب منزلت از رهگذر آن بدست می‌آید (۳۳).

شکل‌گیری قلمرو عمومی جهانی، سبب ایجاد چالش برای قدرت و اقتدار دولت‌ها شده و از اینرو، به دیپلماسی عمومی نوین روی آورده که کاربست آن، باعث پیشبرد قدرت هوشمندانه یک کشور و توسعه نفوذ آن در صحنه جهانی می‌گردد و به این خاطر، دولت‌ها در آن، نقش هدایت و نظارت‌کننده اصلی دارند، ولی از ظرفیت و همکاری بازیگران غیردولتی هم استفاده می‌نمایند (۳۴). در این مورد یکی از ظرفیت‌هایی که قادر بوده نقش خود را در دستگاه دیپلماسی به نحو مطلوب ایفا نماید، ورزش است؛ به نحوی که امروز ادبیات دیپلماتیک ورزشی توانسته است راه‌های بیشتری را جهت گفت و گو امکان‌پذیر سازد (۱). شهرت فراوان رویدادهای ورزشی بین‌المللی، فضای درخوری جهت مداخله دولت‌ها میسر ساخته است. کشورها ارتباطات تبلیغاتی مستقیمی بین پیروزی‌های ورزشی و نظام‌های سیاسی اقتصادی‌شان برقرار می‌کنند. در این راهبرد، ورزش یک سازوکار سیاسی در اختیار دولت قرار داده که از رهگذر آن، دستاوردها و پیروزی‌های قهرمانان و ورزشکاران کشور را به نظام سیاسی اقتصادی خود ارتباط داده تا بتوانند تفوق نظام خود را به سایرین نشان دهند. این فرایند، دیپلماسی

یونیفرم‌های ورزشی و مواردی شبیه آن‌ها نمایش بزرگی برای رهبران سیاسی برای هماوردهای جهانی ایجاد می‌کنند. در کاربرد رویدادهای عمده ورزشی به مثابه سازوکار همبستگی اجتماعی ملی و دیپلماسی عمومی ضرورت دارد که به سرشت هموردی چنین رویدادهایی عنایت ویژه گردد. ملت‌ها رویدادهای بزرگ ورزشی را تماشا می‌نمایند تا ببینند آیا ملتشان پیروز می‌شود یا شکست می‌خورد، زیرا ورزشکاران حاضر در رویدادهای بزرگ ورزشی مانند جام جهانی فوتبال، نمایندگان کشورهای گوناگون به شمار می‌روند، لذا پیروزی‌های آنها جشن گرفته می‌شود و شکست‌های آن‌ها نوعی سرافکندگی ملی لحاظ می‌شود. بعد هموردی اینگونه رویدادها، با عنایت خاص رسانه‌ها، به جدول شمارش مدال‌ها و روایت‌های میهن‌دوستی از عملکرد کشورها در این مسابقات، به مثابه قهرمانی ورزشی و نیز منزلت بین‌المللی کشور، در نظر گرفته می‌شود. دستیابی به مدال‌های بیشتر، معمولاً اهمیت و قدرت بیشتر کشور در مقایسه با سایر کشورها به شمار می‌رود. از اینرو، هماوردهای بین ملت‌ها که سرشت رویدادهای بزرگ ورزشی است. به ناچار مردم را در عرصه بین‌الملل به دوگانه‌ی «ما-آن‌ها»، تقسیم می‌نماید (۳۲).

ورزش به لحاظ داخلی و بین‌المللی معمولاً به مثابه سازوکاری جهت دستیابی به امتیازات سیاسی ویژه که بیشتر به سیاست خارجی، ارتباط دارد، در نظر گرفته می‌شود. دولت‌ها بعضی اوقات استفاده از ورزش را به مثابه یک راه ارتباطی جهت فرستادن پیام‌های دیپلماتیک مثبت و منفی کارآمد دانسته‌اند. از موارد بارز استفاده سیاسی از ورزش می‌توان به موضوع امریکا و جمهوری خلق چین در دهه ۱۹۷۰- آن موقع که کوشش‌ها جهت بهبود روابط این دو کشور شروع شده بود- اشاره نمود. در پی ابتکار چین در سال ۱۹۷۱، امریکا یک تیم تنیس روی میز به چین

الف. نظریه‌هایی که می‌گویند دیپلماسی ورزش به عنوان تکمیل‌کننده‌ی سیاست رسمی دولت‌ها بوده و از رهگذر بیان شفاف و گسترده دیدگاه‌های مردم، این نقش محقق می‌شود.

ب. بعضی از تحلیل‌گران بر این باورند که دیپلماسی ورزشی با محوریت رویدادهای بزرگ ورزشی، زمینه و مجال خاصی فراهم می‌نماید تا دیپلماسی عمومی را به نحو کارآمدی مورد استفاده قرار دهد.

پ. نظریه "ورزش به مانند قدرت مطلق" بر این محور قرار دارد که "ورزش" در عصر کنونی از حالت ابزاری خارج شده و به یکی از جنبه‌های ششگانه جهانی شدن تغییر یافته است. پیدایش و تلاش‌های افرادی چون لیونل مسی، دیوید بکام و راجر فدرر بیانگر این مفهوم است (۴۱).

ارتباط بین ورزش و بررسی روابط بین‌الملل عمیق‌تر از علائق ورزشی پژوهشگران یا گرایش ورزشکاران در عرصه‌ی جهانی است. امروزه ورزش یک موضوع علمی با پتانسل فراتر رفتن از عرصه شایستگی‌های حرفه‌ای آن است. ورزش، مسئله‌ای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دیپلماتیک است. دگرگونی سرشت نظام بین‌الملل، جایگاه ورزش در نشان بین‌الملل را نیز متحول ساخت (۴۲). با پیدایش و بسط جهانی شدن، بازیگران، ورزشکاران و دست‌اندرکاران حوزه ورزش، به مثابه بازیگران جدید عرصه بین‌المللی پیدا شدند (۱۵).

هرچند در راستای دیپلماسی سنتی، کشورها به ورزش و دیپلماسی ورزشی، عنایت داشته‌اند، ولی دگرگونی سرشت دیپلماسی از جنبه‌ی نظری و عملی، نقش خاصی برای دیپلماسی ورزشی ایجاد نموده است. امروزه به ورزش، بیشتر به مانند سازوکاری برای دیپلماسی، ایدئولوژی، ملت‌سازی^۳ و حضور در عرصه بین‌الملل و کسب منافع

ورزشی و ورزشکارانی را که با این قصد به کار گرفته می‌شوند را دیپلمات ورزشی تلقی می‌نمایند (۳۵).

۳-۱. دیپلماسی ورزش و نظریه‌های دیپلماسی ورزش زمانی درازی است که رابطه میان ورزش و دیپلماسی در طی زمان بیشتر شده و آتش‌بس المپیک بیانگر این ارتباط بوده و اهمیت گسترده دیپلماسی ورزش در قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم، به مثابه نظریات، سیاست و فرهنگ در روابط بین‌الملل مدنظر قرار گرفته است (۳۰). تعاریف گوناگونی از دیپلماسی ورزش شده؛ از "جنگ بدون شلیک" (۳۶) تا "بزار توسعه صلح پایدار" (۳۷) که همه آنها در پی فهم بهتر مناسبات صحنه بین‌الملل و دوستی‌ها، در راستای محو کلیشه‌ها و تعصب بودند. ورزش سازوکاری "کم‌خطر، کم‌هزینه و پرمحتوا" جهت فعالیت‌های دیپلماتیک است (۳۸) در تعریفی گسترده؛ دیپلماسی ورزش را می‌توان بخش پرننگ دیپلماسی عمومی لحاظ نمود که در آن از همه‌ی ظرفیت‌های سخت افزاری و نرم افزاری ورزشی یک کشور، مثل تجهیزات و فضاهای ورزشی، ورزشکاران، مربیان، مدیران ورزشی و قدرت نرم، در عرصه بین‌الملل تقویت شود (۳۹).

درباره‌ی عوامل گرایش سیاستمداران به ورزش برای استفاده از این ظرفیت با آمال سیاسی، نظریه‌های فراوانی مطرح شده که بطور کلی بر مسئله فیصله‌ی اختلافات و تقویت صلح تأکید دارند (۴۰) ولی با گزینش رویکردی همه‌جانبه، می‌توان چهار رویکرد نظری را برشمرد که هر کدام به جنبه‌ای از این موضوع می‌پردازند و از مجموع آنها می‌توان به چارچوب نظری تقریباً کاملی در این راستا نائل آمد که به شرح زیرند:

3. Roger Federer
4. Nation building

1. Lionel Messi
2. David Beckham

۱-۲. تحریم بازیهای ورزشی بر مبنای اصل "نه شرقی نه غربی"

ایران در نخستین سالهای بعد از انقلاب و در میان جنگ سرد با الگو قرار دادن اصل "نه شرقی نه غربی"، بازیهای المپیک ۱۹۸۰ مسکو^۱ و ۱۹۸۴ لس آنجلس^۲ را با شعار "ما بازی نمی‌کنیم"، تحریم نمود (۲۳) که این مهم تا به امروز در میان همهی کشورهای عضو کمیته بین‌المللی المپیک، منحصربه‌فرد بوده است. ایران تنها کشور جهان است که هر دو دوره این بازیها را تحریم نمود. واپسین دهه ۶۰ شمسی با شروع جنگ تحمیلی (۱۳۵۹)، نه تنها ورزش بلکه مجموعه سیستم روابط خارجی ایران مثل دیگر ارکان و بخش‌های کشور تنها در پی مقاومت نظامی در برابر دشمن متجاوز بودند. جلوه‌ی وطن‌پرستی و میهن‌دوستی ورزش را در آن دوره می‌توان به خوبی در میان ورزشکاران ایرانی دید (۴۵).

در زمان دولت سازندگی، سازمان‌های بین‌المللی ورزشی بزرگ پیشنهاد میانجیگری جهت ایجاد روابط و عدم خصومت میان ایران و غرب به‌ویژه ایالات متحده را مطرح نمودند که با عنایت به جنایت زیاد آمریکایی‌ها در آن دوره و تصویر آنها از مردم ایران، این مسئله به هیچ وجه در سرلوحه‌ی تصمیم‌گیران سیاسی آن زمان، قرار نگرفت. برای مثال، سامارانش^۳ رییس وقت کمیته بین‌المللی المپیک^۴ در سال ۱۳۶۷ اعلام نمود که حاضر است در روابط ایران و آمریکا نقش میانجی را ایفا نماید و نیز پیشنهاد کرد تا نماینده ایران با رئیس جمهور آمریکا دیدار کند ولی مورد پذیرش دولت ایران قرار نگرفت (۴۵).

تجاری، نگاه می‌شود. از اینرو، گسترش نفوذ سازمان‌های ورزش‌های بین‌المللی و رویدادهای بزرگ ورزشی مانند بازی المپیک و جام جهانی فوتبال تأثیر بسزایی بر گسترش مفهوم دیپلماسی داشته است. در موارد بیشماری، دولت‌های رقیب از این رویدادها برای بهبود روابط بین خودشان از رهگذر ارتقای ابعاد دوستی در روند شکاف‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه جهانی، استفاده می‌نمایند (۴۳) و (۴۴).

هرچند دیپلمات‌های سنتی با سازمان‌های ورزشی و ورزشکاران ارتباط داشته‌اند، ولی شبکه‌های وسیع نوپدید در این زمینه، به پیدایش واژه دیپلماسی ورزشی در راستای بررسی‌های دیپلماتیک منجر شده است. دیپلماسی ورزشی در سایه‌ی گسترده‌تر دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد و شامل تلاش‌های نمایندگی و دیپلماتیک از سوی ورزشکاران از طرف دولت وابسته خوداند. استفاده از ورزشکاران و رویدادهای ورزشی جهت عرضه، اعلام و ایجاد یک تصویر شایسته بین مردم و سازمان‌های خارجی به منظور شکل دادن به ادراکات و تصورات آنها به نحو کارآمد، برای ارتقای مقاصد سیاست خارجی کشور یا دولت فرستنده‌ی آنها، بوده است.

۲. سازوکارهای دیپلماسی ورزش جمهوری اسلامی ایران در

راستای قدرت هوشمند

جمهوری اسلامی ایران از سازوکارهای ویژه‌ای از چشم‌انداز دیپلماسی ورزشی، در راستای قدرت هوشمند برخوردار بوده که به نوبه خود اثربخشی و کارآمدی بسزایی داشته، هر چند که با بینش ویژه می‌توانست استفاده‌ی بهینه‌تری از آن بنماید. بر این اساس، این سازوکار به شرح زیر است:

3. Juan Antonio Samaranch
4. International Olympic Committee

1. 1980 Summer Olympics
2. 1984 Summer Olympics

مثل علی دایی، مهدی مهدوی کیا، کریم باقری، خداداد عزیزی به کشورهای اروپایی و حضور آنها در لیگ‌های معروف جهانی مانند لیگ قهرمانان اروپا،^۷ بوندسلیگا و لیگ برتر انگلستان^۸ بود. این رویداد باعث گردید تا سفیران ورزشی ایران تصویری نو از "ایران بعد از جنگ" به جامعه جهانی ارائه کنند (۲۲) از این جهت، جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه و عکس یادگاری آغاز این بازی فوتبال به مثابه سیاسی‌ترین مسابقه فوتبال در دوره‌های جام جهانی فوتبال در نظر گرفته می‌شود (۴۷).

پس از ورود تیم فوتبال در سال ۱۹۹۸ و صعود به جام جهانی. همه مردم به خیابان آمدند و جشن گرفتند. بیشتر سیاستمداران و مسئولین حیرت‌زده شدند این رویدادها منجر به بالارفتن وجهی ملی گردید.

دقیقاً سه روز قبل از شروع مسابقه فوتبال ایران با ایالات متحده در مرحله گروهی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، مادالین آلبرایت^۹ در مصاحبه‌ای مطبوعاتی شاخه زیتونی را در دست گرفت که بیانگر گرایش امریکایی‌ها به آغاز مناسبات با ایران در آن زمان، بود. کلینتون رییس جمهور محبوب وقت ایالات متحده، در ۲۱ ژوئن همزمان با روز «بازی جوانمردانه»^{۱۰} فیفا، پیامی را برای این بازی فرستاد و ابراز امیدواری کرد که این بازی اقدامی اساسی در راستای کاهش بیگانگی مردمان دو کشور نسبت به یکدیگر باشد. رییس وقت فدراسیون فوتبال ایران، با عنوان «فوتبال سیاسی» یا «سیاست فوتبالی» برداشت خاصی از رویدادهای آن بازی داشت:

۲-۲. دیپلماسی کشتی و فوتبال ایران با پیروزی بر ایالات متحده در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه

از نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ ایران شاهد دگرگونی اساسی در حوزه ورزشی در صحنه بین‌الملل بوده است. مارکس روزنامه‌نگار و گزارشگر آمریکایی که تیم ملی کشتی آمریکا را جهت مسابقات جام جهانی کشتی در سال ۱۹۹۸ تهران همراهی می‌نمود، با تحسین از ایرانی‌ها می‌گوید: «این نخستین دفعه بود که نه تنها یک تیم بلکه یک هیئت آمریکایی پس از انقلاب ۱۹۷۹ به ایران مسافرت نمود؛ در کل سالن کشتی‌گیران آمریکایی را تشویق می‌نمودند»؛ ورزش تنها حوزه‌ای است که مردمان یک کشور قادرند به آسانی باور خویش را نسبت به مردمان کشور دیگر ابراز کنند (۴۶). روزنامه‌ها مسابقه کشتی فوریه ۱۹۹۸ را "دیپلماسی کشتی"^۳ نام‌گذاری کردند؛ پرچم ایالات متحده بواسطه‌ی ورزشکاران در سالن حمل شد. در دست گرفتن تصویر مقام معظم رهبری توسط داگلاس^۳ کشتی‌گیر آمریکایی در حضور اصحاب رسانه، پیامی بزرگ برای مردمان جهان و به شکل خاص مردمان دو کشور داشت.

مدتی بعد از این بازی‌ها و در مرحله انتخابی مسابقات جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه،^۴ فوتبالیست‌های ایرانی توانستند بعد از ۲۰ سال (بعد از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین)^۵ و برای نخستین بار پس از انقلاب اسلامی به بزرگترین رویداد ورزشی تک رشته‌ای جهان، سوق یابند. جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه نقطه عطفی در ورزش ایران به شمار می‌رود؛ آنجا که فوتبال ایران با پیروزی بر ایالات متحده در مرحله گروهی منجر به انتقال بازیکنان ایرانی

7. Bundesliga

8. Premier League

^۹ مادالین کربل آلبرایت (به انگلیسی: Madeleine Korbelt Albright) وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا بود. او نخستین زنی بود که به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا انتخاب شد. آلبرایت در سال ۲۰۱۲ نشان افتخار آزادی رئیس‌جمهوری را دریافت کرد.

10. World Fair Play Day

1. Marks

2. Wrestling Diplomacy

^۳ . داگلاس بلوبو (انگلیسی: Douglas Blubaugh; ۳۱ دسامبر ۱۹۳۴ - ۱۶ مه ۲۰۱۱) کشتی‌گیر اهل ایالات متحده آمریکا بود. وی در مسابقات کشوری و بین‌المللی در مجموع برنده ۲ مدال طلا شده است.

4. 1998 FIFA World Cup

5. 1978 FIFA World Cup

6. UEFA Champions League

داوری این مسابقه نشان‌دهنده اهمیت این دیدار حتی برای سیاستگذاران فیفا بود (۲۳).

۲-۳. حضور مؤثر تیم فوتبال و والیبالیست‌های ایران در جام‌ها و لیگ جهانی

حضور در جام‌های جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۴ برزیل و ۲۰۱۸ روسیه باعث پیشبرد وجهه‌ی بین‌المللی ایران شد؛ برای مثال، بازی ایران با پرتغال در رده‌ی گروهی جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه باعث گردید تا تحلیلگر انگلیسی بازی، ایران را لایق پیروزی و فوتبالیست‌های ایرانی را برای بیننده‌های زیاد این مسابقه "باهویت و منسجم" تعبیر کند. حضور نزدیک به یک دهه والیبالیست‌های ایران در لیگ جهانی، حضور بسکتبال در المپیک ۲۰۲۰ توکیو به همراه موفقیت‌های داوران و مربیان ایرانیان از جمله قضاوت علیرضا فغانی در فینال المپیک ۲۰۱۶، علی نیلی در فینال مسابقات تنیس گرناسلم ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۹، مربیگری رضا مهماندوست برای تیم ملی تکواندو آذربایجان بیانگر آن است که ورزش ایران اسلامی قادر ظرفیت و شرایط مقتضی جهت حضور مؤثر در صحنه‌ی سیاست و طرح دیپلماسی ورزش ایران را کسب نماید.

در جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه، علی دایی، خداداد، مهدوی کیا و ... به عنوان نمایندگان ما در ویتترین جام جهانی منجر به حضور ایرانیان در لیگ‌های اروپایی گردیدند که این ویتترین‌ها و رویدادهای بزرگ ورزشی منجر به شناسایی هر چه بیشتر ایران اسلامی و افزایش پرستیژ آن گردید.

پیروزی در رشته‌های گوناگون ورزشی و برگزاری رویدادهای بین‌المللی چند و تک رشته‌ای جهانی باعث گسترش روابط دیپلماتیک ورزش با دیگر کشورها شد؛ برای مثال، بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ که در تهران برگزار

براستی، سیاست فوتبالی قوانین، راهبردها و اصطلاحات ویژه به هر رشته یا سازمان ورزشی هست که فارغ از اغراض سیاسی روی می‌دهد. مثال بارز آن را می‌توان به هم‌گروهی ایران با ایالات متحده در مرحله مقدماتی جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه مشاهده نمود، از جهتی دیگر، فوتبال سیاسی در بردارنده‌ی استفاده ابزاری از فوتبال جهت ایجاد، تقویت یا حتی از بین بردن مناسبات سیاسی میان دو یا چند حکومت به شمار می‌رود. برای مثال، بعد از جام جهانی فوتبال ۱۹۹۸ فرانسه، تیم ایران یک بار دیگر در سرزمین آمریکا در دیداری دوستانه مسابقه داد که سرانجام، بازی با تساوی به خاتمه یافت. این بازی که تحت فشار و تنش سیاسی فراوان سیاستمداران دو کشور صورت گرفت، تنها با تمایل و اراده مقامات عالی سیاسی دو کشور در جهت آرام نمودن فضای میان روابط ایران و ایالات متحده تحقق یافت.

اندک زمانی بعد از خاتمه بازی رسمی ایران و ایالات متحده در فرانسه، کلینتون در پیامی این برد را به ایرانیان تبریک گفت و سید محمد خاتمی هم کوشش، سخت‌کوشی، همبستگی، مهارت و معنویت را مهمتر از نتیجه بازی قلمداد نمود. این جریان باعث گردید تا برای نخستین بار بعد از انقلاب اسلامی، ورزش به مثابه سازوکاری برای بازاندیشی در راستای روابط میان دو کشور ایران و ایالات متحده تلقی گردد (۱۷).

براستی، مهم‌ترین جلوه‌ی دیپلماسی ورزشی میان ایران و آمریکا مسابقه فوتبال این دو کشور در جریان بازی‌های دور اول جام جهانی سال ۱۹۹۸ فرانسه بود که در آخرین روز خرداد ۱۳۷۷ در ورزشگاه ژرلانت شهر لیون برگزار گردید. نامگذاری این روز از سوی فیفا به عنوان روز بازی جوانمردانه و انتخاب اورس مایر سویسی^۲ (به عنوان کشوری بی طرف و حافظ منافع آمریکا در ایران)، برای

برگزاری بازیهای آسیایی تا آن دوره بود، با مسائل سیاسی هم مواجه بود؛ به نحوی که کشورهای عربی، پاکستان، جمهوری خلق چین، و کره شمالی از بازی با تیمهای تنیس، بسکتبال، و فوتبال اسرائیل امتناع ورزیدند. مشخصه دیگر این دوره از بازیها، سطح بالای امنیتی آن، به دلیل تهدید فلسطینیها و یک فرقه ژاپنی بود.

۲-۵. استفاده از ورزش به عنوان ابزار دیپلماسی برای

بهبود روابط سیاسی بین دو کشور

در عصر نو، ورزش ایران به نوعی بازتاب ساخت ملی کشور است؛ در دو دهه اخیر به خوبی می‌توان ملاحظه نمود که هر زمان سیاست و در پی آن اقتصاد ایران در صحنه بین‌الملل تقویت شده است، ورزش ایران هم در جریان صعودی شتابنده قرار گرفته است.

دولت ایران، به دنبال استفاده از ورزش برای آمل سیاسی بین‌المللی و داخلی بوده است. پایه‌ریزی فدراسیون ورزش همبستگی زنان مسلمان در سال ۱۳۷۰، تأسیس فدراسیون ورزشی غرب آسیا وابسته به شورای المپیک آسیا در تهران در سال ۱۳۷۶، و تأسیس فدراسیون بین‌المللی ورزشهای زورخانه‌ای در سال ۱۳۸۳ از سری اقدامات اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی در این خصوص بوده است. همچنین می‌توان از شرکت نکردن ایران در بازیهای المپیک ۱۹۸۰ مسکو و المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس نیز نوعی پنداشت و تلقی از دیپلماتیک ورزشی برشمرد (۵۰).

انتخاب محمد خاتمی در سال ۱۹۹۷، به عنوان رئیس جمهور، نقطه عطفی برای رویکرد دوستانه در برابر کشورهای گوناگون جهان لحاظ می‌شود (۱۷). خاتمی در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد که از ورزش به عنوان ابزار

شد که ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان، این بازیها را پوشش رسانه‌ای دادند. امیرتاش (۴۸) بدلیل آمادگی بسیار زیاد شهر تهران، فناوری پیشرفته، اقدامات امنیتی دقیق و سازماندهی مناسب در کنار روابط سیاسی - اجتماعی مناسب، این بازیها را همواره در خاطر مردم آسیا گزارش می‌کند. پس از انقلاب اسلامی ایران به عنوان نخستین میزبان بازیهای غرب آسیا در سال ۱۹۹۷ قادر شد تعارضات ورزشی خود با امیرنشینان حوزه خلیج فارس را پایان داد.

۲-۴. میزبانی ایران در هفتمین دوره بازیهای آسیایی

۱۹۷۴

دولت‌های فراوانی اینگونه می‌پندارند که راهبرد میزبانی رویدادهای بزرگ بین‌المللی ورزشی، تأثیرات بسزایی بر بهبود وجهه آنان داشته است (۴۹). در این راستا، می‌توان به میزبانی ایران در هفتمین دوره بازیهای آسیایی (۱۹۷۴) اشاره نمود. امیرتاش (۴۸)، در مطالعه خود تحت عنوان «ورزش و بازیهای آسیایی: بزرگ‌ترین رویداد ورزشی در آسیا»، جنبه‌های گوناگون این بازیها را کنکاش نموده است. در این بازیها، ۳۰۱۰ ورزشکار از ۲۵ کشور قاره آسیا در ۱۶ رشته ورزشی هم‌آوردی نمودند که به ترتیب کشورهای ژاپن (۷۵ طلا، ۷۹ نقره، و ۵۱ برنز)، ایران (طلا، ۲۸ نقره، و ۱۷ برنز) و چین (۳۳ طلا، ۴۵ نقره، و ۲۸ برنز) بر سکوی اول تا سوم قرار گرفتند. ۲۲۵ نماینده رسانه‌ای از ۹۷ آژانس خبری سه قاره جهان، با پوشش رسانه‌ای این بازیها، خاطره‌انگیزترین میزبانی را از تهران ارائه دادند. در این خصوص و بر اساس گزارش سایت شورای المپیک آسیا، هفتمین دوره بازیهای آسیایی که میزبان بیشترین شمار شرکت‌کنندگان از آغاز

۱. سید محمد خاتمی (زاده ۲۱ مهر ۱۳۲۲) محقق، روحانی، سیاستمدار اصلاح طلب و پنجمین رئیس‌جمهور ایران است که طی دو دوره بین سالهای ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ این مسئولیت را عهده‌دار بود.

۳. سازوکارهای دیپلماسی ورزشی ایالات متحده

آمریکا در راستای قدرت هوشمند

آمریکا هم از سازوکارهای خاصی به لحاظ دیپلماسی ورزشی، در جهت قدرت هوشمند برخوردار بوده که در سهم خویش تأثیرات بسزایی داشته که این سازوکارها، در زیر آورده می‌شود.

۱-۳. دیپلماسی پینگ پنگ

بعد از جنگ جهانی دوم و در پی نخستین پخش زنده تلویزیونی در بازی‌های المپیک ۱۹۶۰ رم، همراه با طرح مضامینی مثل قدرت نرم، دیپلماسی نوین و دیپلماسی عمومی، ورزش کم کم به‌عنوان سازوکاری کارآمد و منعطف در سیاست خارجه (آمریکا) زمینه‌ساز "از سرگیری" مناسبات میان دولت‌ها شد (مورای و پیگمن، ۲۰۱۴: ۱۱۲۰). نمونه بارز و تاریخی این رویداد را می‌توان در آوریل ۱۹۷۱ و به آنچه پس از آن به‌عنوان "دیپلماسی پینگ پنگ" موسوم گشت، دید؛ این دیدار تاریخی را نخست کمیته ملی غیرانتفاعی ایالات متحده پیشنهاد کرد؛ بعد از دیدار بازیکن آمریکایی گلن کووان^۵ با قهرمان سه دوره مسابقات پینگ پنگ جهان؛ یعنی ژوانگ زدونگ^۶ که در مارس ۱۹۷۱ در شهر ناگویای ژاپن انجام شد. بعدها این پیشنهاد توسط حکومت‌های مائو^۸ و نیکسون به‌عنوان وسیله‌ای برای سنجش از بین بردن سردی روابط میان چین و ایالات متحده بکار رفت. برآستی، دیپلماسی پینگ پنگ راه را برای دیدار مشاور دبیر ملی ایالات متحده آمریکا و بازدید او از چین و پس از

دیپلماسی برای بهبود روابط سیاسی بین دو کشور همانند دیپلماسی تنیس روی میز نیکسون استفاده شود. فزونی^۲ (۲۰۰۴)، در مقاله‌ای با نام «دین، سیاست و طبقه اجتماعی؛ تضاد و رقابت در فوتبال ایران» توسعه مذهبی، طبقاتی، جنسیتی و نژادی را از طریق فوتبال در ایران را کنکاش نمود؛ وی فوتبال را بازتاب «ساخت ملی» حکومت ایران می‌داند و آن را دستاورد قدرت‌نمایی مذهب با طبقات اجتماعی می‌داند. و بر این باور است فوتبال صحنه‌ای درخور برای بروز تعارض‌ها و تضادهای گوناگون است.

شهایی در مطالعه دیپلماسی ورزشی، به رابطه ایران و آمریکا پرداخته و بیان می‌دارد که سیدمحمد خاتمی، در سال ۱۹۹۸ پیشنهاد کرد، از ورزش به مثابه سازوکار دیپلماسی جهت بهبود روابط سیاسی بین دو کشور به کار رود. تماس‌های ورزشی بین ایالات متحده آمریکا و ایران در سال ۱۹۹۸ تا حدودی منجر بهبود روابط سیاسی بین ایران و آمریکا شد. در سال ۲۰۰۰ به پیشنهاد آمریکا، تیم ملی فوتبال ایران و تیم ملی فوتبال ایالات متحده در کالیفرنیا با هم مسابقه دادند. پرچم‌های دو کشور در دست‌های تماشاگران آمریکایی و ایرانی بمیزانی مناسبات سرد قبلی بین دو کشور را برطرف نمود (۲۳).

7. Nagoya

۸. مائو زدونگ (به چینی: 毛泽东، MAO ZEDONG، همچنین مائو تسه تونگ، یا مائو تسه دون نیز در فارسی نوشته شده‌است)، (زاده ۲۶ دسامبر ۱۸۹۳ - درگذشته ۹ سپتامبر ۱۹۷۶) تئوریسین مارکسیسم لنینیسم و سیاستمدار انقلابی کمونیست بود. وی، جمهوری خلق چین را در سال ۱۹۴۹ با شکست دادن نیروهای چیانگ کای شک، رئیس‌جمهور وقت چین بنیان گذاشت. او تا پایان عمر، در راس حکومت جمهوری خلق چین قرار داشت.

۱. ریچارد میل‌هوس نیکسون (به انگلیسی: Richard Milhous Nixon؛ زاده ۹ ژانویه ۱۹۱۳ - درگذشته ۲۲ آوریل ۱۹۹۴) یک سیاستمدار و وکیل آمریکایی بود که از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ به عنوان سی و هفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا خدمت می‌کرد.

2. Fozooni
3. 1960 Summer Olympics
4. Ping-pong diplomacy
5. Glen Cowan
6. Zhuang Zedong

جهت سلب مشروعیت بوده و در این شیوه دستگاه دیپلماتیک این کشور کوشش می‌کند تا از مخارج مداخله‌ی نظامی کاسته و از ورزش به‌عنوان وسیله‌ای جهت تحریم و جریمه دیگر کشورها استفاده کند؛ مثل آنچه در المپیک ۱۹۸۰ مسکو روی داد. همچنین، ورزش سازوکاری جهت پیشبرد تعاملات دیپلماتیک؛ مثال بارز این مهم را می‌توان در ظرفیت ارتباطی- اجتماعی ورزش در زمان جنگ سرد مشاهده نمود (۲۲).

در زمان ریاست جمهوری کلینتون، دستگاه دیپلماسی عمومی وزارت امور خارجه ایالات متحده با طرح برنامه "رشته‌های ورزشی متحد" برنامه‌های گوناگونی را برای بهره‌برداری از ظرفیت ورزش به شرح زیر تدوین نموده است:

- استفاده از ورزش در جهت پیشبرد مناسبات دیپلماتیک: مثل دیپلماسی بیسبال^۴ باکوبا، پینگ پنگ با چین و یا کشتی و فوتبال با ایران

- دادن بورس‌های تحصیلی: مثل بورس‌های سیاسی برای ورزشکاران نخبه خارجی مثل برنامه‌های مرکز فولبرایت که در آن با همکاری انجمن ملی ورزش دانشگاهی ورزشکاران نخبه جوان شناسایی و برای ادامه تحصیلی در خاک آمریکا به آنها بورسیه داده می‌شود.

- سفیران ورزشی: اعزام ۱۳۰ ورزشکار به ۴۰ کشور طی سال‌های ۲۰۱۵ - ۲۰۱۸

- صنعت سرگرمی ورزش: شمار زیادی از فیلم‌های سینمایی پیرامون رشته‌های ورزشی مثل بوکس، هاکی، بسکتبال، بیسبال و ... در پی ارائه پیامی ویژه به مردم و مخصوصاً جوانان جهان می‌باشند.

آن بازدید رییس‌جمهور نیکسون در سال ۱۹۷۲ میسر ساخت (۵). گریکس^۱ (۲۰۱۲) و پیگمن و مورای (۲۰۱۴) برداشت خاصی از این رویداد تاریخی دارند؛ به پنداشت آنها دیپلماسی پینگ پنگ در سال ۱۹۷۱ نقش "ذوب‌کننده یخ" مناسبات میان چین و ایالات متحده را داشت.

۲-۳. استفاده از ورزش به‌عنوان ابزاری برای برقراری روابط و تقویت تعاملات دیپلماتیک

آمریکا از جهت تاریخی، از ورزش و جذابیت آن به مثابه یک سازوکار جهت پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود استفاده نموده است. در درازای تاریخ بازی‌های المپیک، استفاده سیاسی برای پیشبرد سیاست‌های بین‌المللی این کشور وجود داشته است. در طی بازی‌های المپیک زمستانی ۱۹۶۰، آمریکا از صدور ویزا برای ورزشکاران آلمان شرقی برای سفر به دهکده اسکوا^۲ که مسابقات در آن برگزار می‌شد، امتناع ورزید. آمریکا و هم‌پیمانان پیمان آتلانتیک شمالی^۳ (ناتو) در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۶۷ دست کم ۳۵ بار از صدور ویزا برای ورزشکاران آلمان شرقی امتناع ورزیدند، ولی در نهایت، پیروزی‌های ورزشی جمهوری خلق سازمان-های بین‌المللی ورزشی را ملزم ساخت تا نادیده گرفتن آلمان شرقی را پایان دهند.

هیلاری کلینتون را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین تصمیم‌گیران سیاسی ایالات متحده در حوزه قدرت هوشمندانه و به ویژه دیپلماسی ورزش نامید؛ وی با ارائه اصطلاح "قدرت هوشمندانه" در زمان حضور در وزارت خارجه آمریکا، در پی تأمین منافع ملی آمریکا، با استفاده از همه سازوکارهای دیپلماتیک بود.

روی هم رفته، دیپلماسی ورزشی ایالات متحده دو کارکرد اساسی داشته و اینکه ورزش به‌عنوان سازوکاری

۱. Organisation du traité de l'Atlantique Nord (OTAN)، در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی (۱۵ فروردین ۱۳۲۸) با هدف دفاع جمعی در واشینگتن دی.سی. پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۳۰ عضو دارد.

4. BEISBOL DIPLOMACY

1. Grix

2. Squaw

3. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو (به انگلیسی: North Atlantic

Treaty Organization با مخفف NATO؛ به فرانسوی:

کلاس درس و زندگی را بیاموزد. اتحاد از طریق ورزش، در راستای اعزام نمایندگان ورزشی و برنامه‌های بازدید ورزشی و اعطای کمک‌های مالی و توانمندسازی زنان و دختران از طریق مبادله ورزشی کوشش می‌نماید تا با پیامی مبنی بر تعهد آمریکا نسبت به درک بین‌المللی، مدارای فرهنگی و احترام متقابل، با ورزشکاران جوان، مربیان و مدیران ورزشی در سرار جهان ارتباط ایجاد کند (۲۲).

در این راستا، ورزش می‌تواند صدای یک ملت را رساتر به گوش دیگر سیاستمداران برساند و نقش تکمیلی برای سیاست‌های یک دولت دارد (۵۱). به عنوان نمونه می‌توان اعزام چهار نفر بسکتبالیست آمریکایی در ۲۶ آگوست ۲۰۱۲ به کشور میانمار به مثابه بخشی از برنامه پشتیبانی آمریکا جهت احترام به تنوع نژادی پنداشت که آنها در آن کشور چند کارگاه آموزشی و کلینیک تأسیس نموده‌اند (۵).

۳-۴. برنامه‌های دفتر اتحاد از طریق ورزش اداره امور آموزشی و فرهنگی

در ایالات متحده آمریکا، برنامه‌های دفتر اتحاد از طریق ورزش اداره امور آموزشی و فرهنگی از رهگذر سفیران و بازدیدکنندگان ورزشی و کمک‌های مالی صورت می‌گیرد. اتحاد از طریق ورزش از سال ۲۰۰۵ تاکنون بیش از ۱۳۰ ورزشکار را برای شرکت در برنامه نمایندگان ورزشی به بیش از ۴۰ کشور جهان اعزام کرده است. نمایندگان ورزشی با کمیته المپیک ایالات متحده و فدراسیون‌های ورزشی و لیگ حرفه‌ای همکاری می‌کنند. ۲۰ بازیکن هاکی و چهار مربی به عنوان سفیران ورزشی ایالات متحده در سال ۲۰۱۲ به مسکو سفر کردند. این برنامه از تلاش‌های کمیسیون دوجانبه ریاست جمهوری ایالات

-برگزاری میهمانی‌های ورزشی: در سفارت‌خانه‌های ایالات متحده در دیگر کشورها به مناسبت‌های گوناگون از جمله جشن شکرگزاری، چهارم جولای و کریسمس از ورزشکاران معروف کشور میزبان برای حضور دعوت می‌گردد.

-شرکت ورزشکاران در فعالیت‌های خیرخواهانه: به‌عنوان نمونه پنج ورزشکار آمریکایی ۲۸۲ کیلومتر را در شمال اتیوپی با پیامی پیرامون اطلاع‌رسانی درباره ایدز دویدند و برای بیماران آن کشور کمک جمع‌آوری نمودند (شریعتی فیض‌آبادی، ۱۳۹۸: ۱۳۹).

۳-۳. استفاده از ورزش به عنوان ابزاری در فهم متقابل

افراد با فرهنگ‌های متفاوت

دیپلماسی قدرت هوشمند شامل کاربست همه‌ی سازوکارهای دیپلماتیک در تمام عرصه‌ها جهت تأمین منافع ملی می‌باشد که یکی از این سازوکارها کاربرد قدرت ورزش است. ورزش در چشم‌انداز طراحان دیپلماسی این کشور، به مثابه وسیله‌ای در فهم متقابل افراد با فرهنگ‌های گوناگون، احترام به کار تیمی، احترام به یکدیگر و احترام به قوانین قلمداد می‌شود. در آمریکا، بخش (ای. سی. ای) به دیپلماسی ورزشی مربوط است. دفتر اتحاد از طریق ورزش اداره امور آموزشی و فرهنگی، مدیریت برنامه‌های تبادل بین‌المللی وزارت امور خارجه به منظور ایجاد برقراری بین جامعه جهانی از رهگذر ورزش را برعهده دارد. اتحاد از طریق ورزش، برنامه‌های تبادل بین‌المللی را اجرا می‌کند که هدف از آن کمک به جوانان محروم برای کشف این مسئله است که چگونه دستیابی به موفقیت در زمینه ورزش می‌تواند به آنها مهارت‌های موردنیاز برای موفق شدن در

۱. روز شکرگزاری (به انگلیسی: Thanksgiving Day تلفظ: تنکس‌گیوینگ) یک تعطیلی ملی در آمریکا و کانادا است و در این روز مردم به شکرانه برداشت محصولات جشنی برگزار می‌کنند. جشن‌های مشابهی هم در برخی نقاط دیگر دنیا برگزار می‌شود؛ در آمریکا روز شکرگزاری در چهارمین پنج‌شنبه ماه نوامبر و در کانادا در دومین دوشنبه ماه اکتبر گرفته می‌شود.

۲. روز استقلال ایالات متحده آمریکا (به انگلیسی: Independence Day)، که با نام چهارم ژوئیه (جولای) (به انگلیسی: Fourth of July) نیز شناخته می‌شود، یک جشن فدرال در آمریکا است که یادآور تصویب اعلامیه استقلال ایالات متحده آمریکا در روز ۴ ژوئیه ۱۷۷۶ میلادی می‌باشد. کنگره قاره‌ای در آن زمان رسماً اعلام نمود که ۱۳ مستعمره آمریکایی خود را به عنوان یک ملت واحد می‌دانند و دیگر قسمتی از پادشاهی بریتانیای بزرگ محسوب نمی‌گردند.

ورزش پیوسته در دیپلماسی این کشور به مثابه سازوکاری به منظور کاتالیزوری جهت ایجاد روابط دیپلماتیک به کار می‌رود؛ و از سوی دیگر، ورزش به مثابه سازوکاری در جهت دیپلماسی قدرت هوشمند بدان توجه می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

ایالات متحده آمریکا از رهگذر قدرت هوشمند در دیپلماسی ورزشی، با ارائه برنامه‌های منسجم و در خصوص استفاده از ورزشکاران، مربیان، داوران و نیز شرکت‌های ورزشی، در پی نیل به اهداف بلندمدت سیاسی خود در جریان ورزش بوده؛ ولی مسئولان سیاسی ایران به ورزش به مثابه مشغله‌ای تفریحی پنداشته و تا بحال به اثربخشی ورزش در عرصه‌ی بین‌الملل نیندیشیده‌اند. بر این اساس یافته‌های زیر بدست آمد:

- هر دو کشور ایران و آمریکا، از ورزش به‌عنوان ابزار دیپلماسی برای بهبود و تقویت روابط سیاسی و دیپلماتیک استفاده نموده‌اند.

- ورزش سازوکاری برای بازاندیشی درباره روابط میان دو کشور ایران و ایالات متحده بوده است.

- ایران در راستای قدرت هوشمند در جهت هم‌آوردی با آمریکا در بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و ۱۹۸۴ لس‌آنجلس آمریکا را تحریم نمود، از این جهت، رویکردی هوشمندانه و ویژه بوده است.

- تیم فوتبال و والیبال ایران در جام‌ها و لیگ جهانی، حضور مؤثری نسبت به آمریکا داشته در حالی که، این کشور حضور چندان مؤثر یا کارآمدی از این جهت نداشته است.

متحده و روسیه (BPC's) برای گردهم آوردن مردم به منظور دست یافتن به درک بهتر حمایت می‌کند. اتحاد از طریق ورزش از سال ۲۰۰۳ تا کنون امکان سفر بیش از ۷۰۰ جوان ورزشکار از بیش از ۵۰ کشور جهان را به ایالات متحده برای شرکت در برنامه بازدیدکنندگان ورزشی فراهم آورده است. کمک‌های مالی هر ساله به سازمان‌های دولتی و یا خصوصی غیرانتفاعی در ایالات متحده اعطا می‌شود. این برنامه سبب ایجاد ارتباط بین جوانان، مربیان جوان، و مدیران ورزشی جوان از کشورهای خارجی با هم‌تایان آمریکایی آنها می‌شود. شرکت‌کنندگان در این برنامه تبادل دوجانبه در زمینه چهار موضوع اصلی با یکدیگر گفتگو می‌کنند. مدیریت ورزشی، آموزش مربیان ورزشی، ورزش و معلولیت، ورزش و سلامتی اتحاد از طریق ورزش از سال ۲۰۰۲ تا کنون بیش از ۸۰ کمک مالی به برنامه‌های مختلف در سراسر جهان اعطا کرده است (۲۲).

۳-۵. دیپلماسی بیسبال باکوبا

تیم ملی بیس بال کوبا و تیم اوریول بالتیمور^۲ در سال ۱۹۹۹ در دوره بازی با یکدیگر مسابقه دادند، در بازی نخست هاوانا^۱ میزبان این بازی‌ها بود و در دور دوم شهر بالتیمور. بسیاری از اندیشمندان هدف از برگزاری این بازی را ایجاد تفاهم بین مردم دو کشور و گسترش فهم متقابل می‌دانند. رسانه‌های ایالات متحده این بازی را که یک تبادل بین فرهنگ‌ها بود، دیپلماسی بیسبال نامیدند. ورزش بیسبال در کوبا و آمریکا از پرطرفدارترین ورزش‌ها محسوب می‌شود (۲۲).

بر مبنای مطالب پیش‌گفته، و در جهت سازوکارهای دیپلماسی ورزشی آمریکا در راستای قدرت هوشمند می‌توان گفت ورزش از طریق دو سازکار اساسی، در راستای دیپلماسی ایالات متحده مؤثر قلمداد می‌شود؛ از سویی

3. Havana

1. Cuba national baseball team
2. Baltimore Orioles

- ایالات متحده از لحاظ تاریخی از ورزش و جذابیت آن به عنوان یک روش برای پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود استفاده کرده است.

- محقق ساختن تمامی منافع ملی ایالات متحده با استفاده از تمام ابزارهای دیپلماتیک رویکردی هوشمندانه در چارچوب دیپلماسی ورزشی به شمار می‌رود.

- سه دوره حضور ایران در جام‌های جهانی ۲۰۰۶ آلمان، ۲۰۱۴ برزیل و ۲۰۱۸ روسیه موجبات تقویت پرستیژ بین‌المللی ایران گردید.

- شرکت نکردن ایران در بازی‌های المپیک ۱۹۸۰ مسکو و المپیک ۱۹۸۴ لس آنجلس نیز نوعی تعبیر و برداشت دیپلماتیک ورزشی داشته است که به نوبه‌ی خود رویکردی هوشمندانه بوده است.

- در آمریکا ورزش به تدریج به‌عنوان ابزاری کارآمد و قابل انعطاف در سیاست خارجی، زمینه‌ساز "ازسرگیری" روابط میان دولت‌ها گردیده است.

References

1. Murray S. Moving beyond the ping-pong table: sports diplomacy in the modern diplomatic environment. *Public Diplomacy Magazine*, 2013; 9: 6-11.
2. Hermes J. Burnt orange: Television, football, and the representation of ethnicity. *Television & new media*, 2005; 6(1): 49-69 .
3. Sabbaghian, A. Sport Diplomacy. *Journal of Culture-Communication Studies*, 2016; 16(31): 132-151. (in persian)
4. Zargar, A. Sports and international relations: conceptual and theoretical aspects. *Political Science Quarterly*, 2015; 31(11): 7-48. (in persian)
5. Murray S, Pigman GA. Mapping the relationship between international sport and diplomacy. *Sport in society*, 2014; 17(9): 1098-1118 .
6. Ghorbani A, Abbaszadeh H, Karmi, K. intelligent power; The new evolution of power in the age of globalization. *Foreign Relations*, 2011; 3(4): 125-150. (in persian)
7. Lin C-Y, Lee P-C, Nai H-F. Theorizing the role of sport in state-politics. *International journal of sport and exercise science*, 2008; 1(1): 23-32 .
8. Motaghi A. Intelligent power and the strategy of changing the face of America in the Obama era. *Basij Strategic Studies Journal*, 2007; 41: 55-80. (in persian)
9. Rasooli Sani Abadi, E., Roostaei, M. China's Smart Power Strategy. *Political Research*, 2016; 6(2): 35-53. (in persian)
10. Pourhasan N, Ghanbari L, Rezaei Z. The Recognition of Obama Administration's Smart Power Strategy against the Islamic Republic of Iran. *Majlis and Rahbord*, 2018; 25(95): 341-368. (in persian)

11. Wilson III EJ. Hard power, soft power, smart power. The annals of the American academy of Political and Social Science, 2008; 616(1): 24-110.
12. Ghasemi, H., Pour Kiani, M., Sabagh Novin, M. Comparing the Situation of International Relation between Iranian National Federation and other Countries. Communication Management in Sport Media, 2018; 5(4): 89-100.
13. Mohamadian A, Abedi H. An analysis of Iran's position in the Middle East with an emphasis on smart power. Political Science Quarterly, 2017; 40(13): 23-48. (in persian)
14. Hill J. Introduction: Sport and politics. Journal of Contemporary History, 2003; 38(3): 61-355 .
15. Murray S. The two halves of sports-diplomacy. Diplomacy & statecraft, 2012; 23(3): 92-576 .
16. Li YW. Public diplomacy strategies of the 2008 Beijing Olympics and the 2012 London Olympics: A comparative study. The International Journal of the History of Sport, 2013; 30(15): 1723-1734.
17. Shariati Feizabadi, M., Goodarzi, M. The Effectiveness of Political System of Islamic Republic of Iran; A Model for Evaluation. Bi-Quarterly Political Knowledge, 2016; 11(2): 95-127. (in persian)
18. Bagheri, Y., Shariati Feizabadi, M., Nazarian, A. Interpretative Structural Modeling (ISM) of Sport Diplomacy Components. Sport Management Journal, 2016; 8(5): 797-821. (in persian).
19. Bakhshi Chenari, A. R., Goodarzi, M., Sajjadi, S. . N., Jalali Farahani, M. Solutions for Empowering and Promoting Sport Diplomacy in Foreign Policy of Islamic Republic of Iran. Communication Management in Sport Media, 2019; 6(3): 15-22.
20. Salazar-Sutil N. Maradona Inc: Performance politics off the pitch. International journal of cultural studies. 2008; 11(4): 58-441.
21. Buckel BA. Nationalism, mass politics, and sport cold war case studies at seven degrees: Monterey, California. Naval Postgraduate School; 2008.
22. Shariati MT, Akbari R. Sports diplomacy of the United States of America. Journal of Regional Studies, 2014; 16(1): 99-112. (in persian)
23. Shahabi H. Sports diplomacy between the United States and Iran. Dialogue magazine. 2013; 42(12):7-26. (in persian).
24. Nye Jr JS. Get smart: Combining hard and soft power. Foreign Aff. 2009; 88-160 .
25. Rush M. Society and politics: an introduction to political sociology. Translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt publication [Persian]. 1998
26. Armitage RL, Nye JS. CSIS Commission on Smart Power: A smarter, more secure America: CSIS; 2007
27. Shafiini N, Pahlavani M. Review of India's smart power. Foreign Policy Quarterly, 1390; 25(2): 421-450.

28. Hafeznia MR, Ghorbaninejad R, Ahmadipour Z, Ghavam A. Tension and conflict theories between countries: review, Critique and Presenting a Theoretical model. *Geopolitics Quarterly*. 2013; 9(32): 1-35 .
29. Grix J, Houlihan B. Sports mega-events as part of a nation's soft power strategy: The cases of Germany (2006) and the UK (2012). *The British journal of politics and international relations*. 2014; 16(4): 96-572.
30. Deos A. Sport and relational public diplomacy: the case of New Zealand and Rugby World Cup 2011. *Sport in Society*. 2014; 17(9): 1186-1170 .
31. Melissen J. *The new public diplomacy: Between theory and practice*. The new public diplomacy: Soft power in international relations: Springer, 2005; 3-27 .
32. Donos M. *Communicating sport mega-events and the soft power dimensions of public diplomacy*: University of Ottawa (Canada), 2012.
33. Winstanley KL. *The Olympics and Canadian Identity*.
34. Sajjadpour, S. M. K., Vahidi, M. new public diplomacy: conceptual and practical framework. *political quarterly*, 2011; 41(4): 77-95. (in persian).
35. Eden JT. *Can Soccer Improve International Relations?* 2013.
36. Aancy HM, Bandyapadhyay M, Taneja S, Rao PV, Srivastava B. Identifying the factors influencing digital marketing and brand-consumer relationship. *Risk and Decision Analysis*. 2023 (Preprint), 1-11.
37. Nazemi, M., Shariati Feizabadi, M. *Developing the Concepts of Cultural Peace Making Role of Sport in International Relations (Case Study of World against Aggression and Violence (WAVE) Program Proposed by the Iranian President)*. *Socio-Cultural Strategy*, 2017; 6(3): 163-188. (in persian).
38. Allen Pigman G, Simon Rofe J. *Sport and diplomacy: an introduction*1. *Sport in Society*. 2014; 17(9) 1095-1097 .
39. Shariati Feizabadi, M. *Comparative study of sport diplomacy in development of foreign relations of Iran and selected countries*. *Bi-Quarterly Political Knowledge*, 2019; 15(1): 125-148. (in persian).
40. Nygård HM, Gates S. *Soft power at home and abroad: Sport diplomacy, politics and peace-building*. *International area studies review*. 2013; 16(3): 235-243 .
41. Postlethwaite V, Grix J. *Beyond the acronyms: Sport diplomacy and the classification of the International Olympic Committee*. *Diplomacy & statecraft*, 2016; 27(2): 295-313
42. Allison L. *The changing politics of sport*: Manchester University Press; 1993.
43. Hlabane BH. *The political, economic and social impact of hosting mega-sports events: The 2010 South Africa World Cup in comparative perspective*: Ritsumeikan Asia Pacific University; 2012
44. Mohammadi Azizabadi M. *The place of sports in domestic and international politics to create peace and friendship*. *Politics (Taribat Modares University)*. 2016;14(4):113-23. (in persian).

45. Khabiri, M., Fattahi Zadeh, A. Sports Diplomacy: Acceptance and Encompassing of A Political Strategic Concept. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 2019; 18(43): 143-164. (in persian).
46. Marks J. Wrestling diplomacy scores in Iran. *Peace Review*, 1999; 11(4):547-549 .
47. Esherick C, Baker RE, Jackson S, Sam M. Case studies in sport diplomacy: FiT Publishing, a division of the International Center for Performance, 2017.
48. Amirtash A-M. Iran and the Asian games: The largest sports event in the Middle East. *Sport in Society*. 2005; 8(3): 449-467 .
49. Samuel-Azran T, Yarchi M, Galily Y, Tamir I. Promoting terror or sport? The case of Qatar's international image. *American Behavioral Scientist*. 2016; 60(9): 1101-1115 .
50. Dostie, M., Darvishi, A., khalilifar, A. Investigate the Economic obstacles of Club Privatization in Iranian Professional Football League. *Sport Management and Development*, 2017; 5(2): 178-192. (in persian).
51. Grix J. 'Image'leveraging and sports mega-events: Germany and the 2006 FIFA World Cup. *Journal of sport & tourism*. 2012; 17(4): 289-312 .

A Comparative Study of Smart Power in Iranian and US Sports Diplomacy

Saman Mehri¹- Ahmad Mahmoudi^{*2} - Mohammad Hosein Ghorbani³ - Shaghayegh Nemati⁴

1. PhD student in Sports Management, Faculty of Sports and Health Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran
2. Assistant Professor, Department of Sport Management, Faculty of Sport Sciences and Health, University of Tehran, Tehran, Iran
3. PhD of Sports Management, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
4. Master of Sport Management, Department of Sport Management, Faculty of Physical Education and Sport Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received:2024/03/09; Accepted:2024/04/30)

Abstract

Today, the place of sports and sports efforts has gone beyond physical effort and mere entertainment and has especially found a political and international aspect. The internationalization of a sizable chunk of sports has caused countries to turn to international sports coordination in order to achieve national interests and their political and international goals. In this regard, the concept of sports diplomacy has emerged along with other diplomacy. Smart power diplomacy means using all diplomatic mechanisms in all fields to secure national interests, including the power mechanism of sports. Given this, the critical question has been raised, in line with sports diplomacy in the framework of smart power, what position has sports enjoyed in the diplomatic system of Iran and America? In this study, the descriptive-analytical method was used in the framework of Suzan Nasel's smart power theory and Joseph Nye's soft power theory. Despite having an efficient capacity in the field of sports and using it optimally, in line with sports diplomacy, Iran has a marginal perspective and a secluded attitude towards sports, whilst America considers sports as a tool, so that sports are used to sanction and delegitimize or a tool to establish relations between two countries. The United States of America, from the lens of smart power in sports diplomacy, has been seeking to achieve its long-term political goals in sports by presenting a coherent program regarding the use of athletes, coaches, referees, and sports companies, but Iran's political officials think of sports as a pastime and have not thought about the effectiveness of sports in the international arena, yet.

Keywords

America, sports, smart power, diplomacy, Iran.

* Corresponding Author: Email: ah.mahmoudi@ut.ac.ir